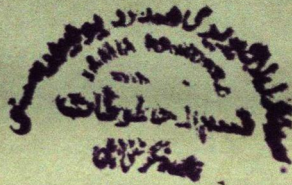


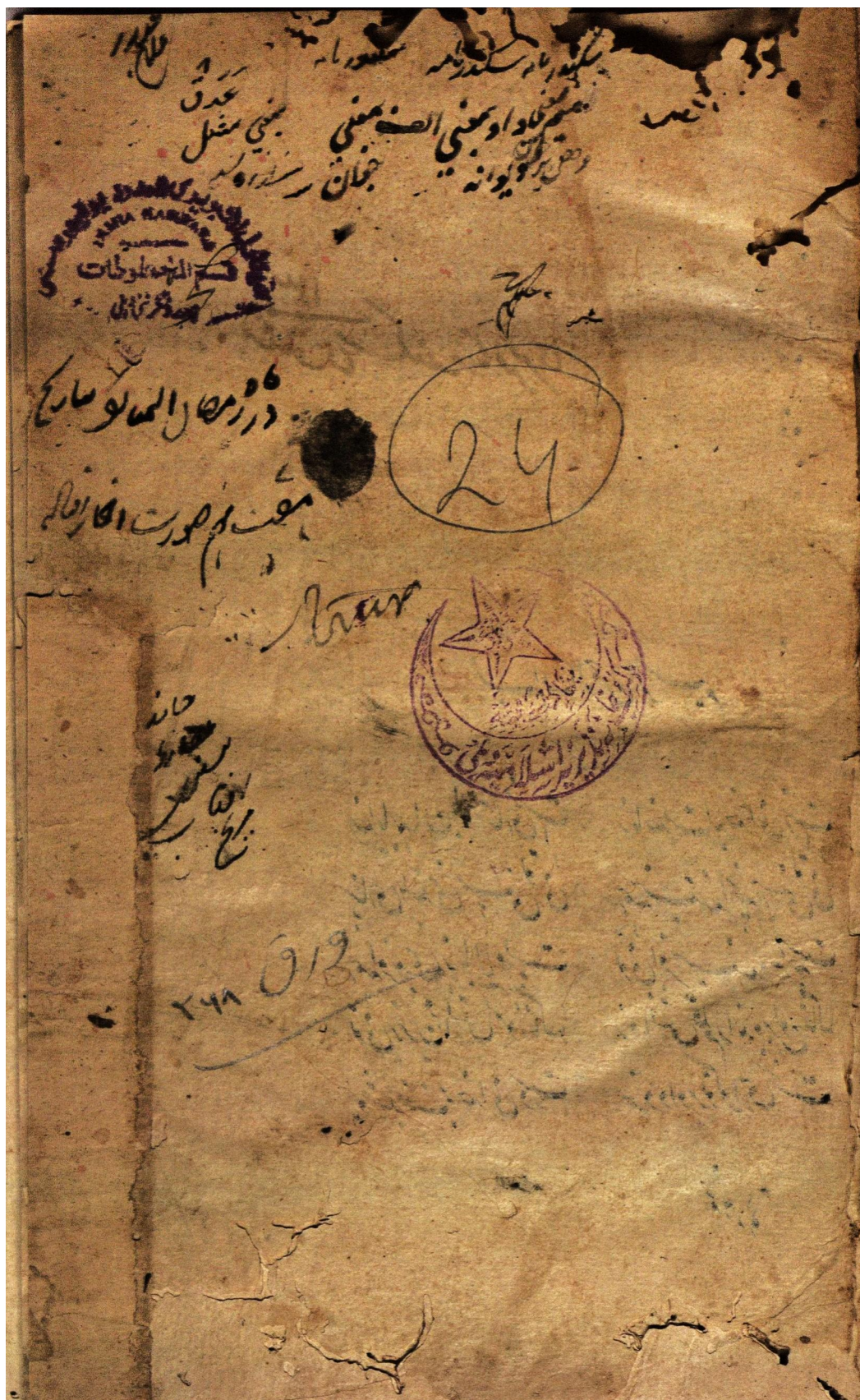


FUMICATED



٢٤٦ ٥١١

891.55704
N65 S



مشتوی سکندر نامه میری

بسم الله الرحمن الرحيم و محمد و آله

خدا ی جهان بادشاهی است	ز ماضیت اید خدای تربت
پناهی بلند می پستی توئی	همه نیستند آنچه پستی توئی
همه بودند ز بالا و پست	توئی بافر بسنده هر چه است
توئی برترین آتش آموزانک	ز دانش قلم رانده بر لوح خاک
چو شد جنت بر خدای دست	خرد داد بر تو گویای سخت

محمد و آله



خود را نور روشن بصر کرده
چرخ هدایت تو بر کرد
توئی که ساز ابر افراستی
زین را کدر کاوه اوستی
توئی که فزیدی یک قطره آب
که بزمی روشن بر از اقیاب
تو آوردی از لطف جوهر پدید
بحور فروشان بودادی کلید
خواهر تو شکی دل شک را
تو بر روی جوهری رنگ را
ببار و نه انگوشی بسیار
همانی بدن خونی آراستی
بگر می سرفی و از شک تر
مهندسی جوهر از نشان
عنان آوردی فزینی کار
تا بد ما جز لطف کردی
زبان تازه کردن با قدر تو
سای کربن بگذر و مری است
نما کن جنت علت از کار تو
در آن تواند نشانی الکی است